Ma'rifat-e Eghtesād-e Islāmī _____ **2026, Vol. 17, No. 2, 113-137**

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

10.22034/marefateeqtesadi.2026.5003973

20.1001.1.20422322.1405.17.2.5.3

A New Plan in the Classification of Islamic Economic literature

Seyed Ahmed Ameli / Assistant Professor, Faculty of Economics, Kharazmi University ameli@khu.ac.ir

Mortazavi Mortazavi Kakhki / Assistant Professor, Department of Economics, Razavi University of Islamic Sciences Dr.mortazavi@razavi.ac.ir

Ali Nemati / Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Research Institute of Islamic Studies in Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad alinemati@um.ac.ir

Ali Akbar Karimi / Ph.D. in Economic Sciences, Institute of Islamic Culture and Thought karimiisu@gmail.com

Vahid Arshadi / Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Research Institute of Islamic Studies in Human Sciences, Ferdowsi University of Mashhad v.arshadi@um.ac.ir

Received: 2026/06/21 - **Accepted:** 2026/08/31

Abstract

In the field of Islamic economics, despite the significant and increasing research growth in recent decades, the lack of a comprehensive and indigenous classification system that can properly reflect the wide range of topics, theoretical foundations and innovative approaches of this field has always been a fundamental challenge. The standard classification system of JEL (Journal of Economic Literature) faces significant limitations in covering specific topics, conceptual subtleties, and jurisprudential and ethical foundations of Islamic economics. Many key concepts are either completely ignored or scattered in unrelated subfields, which makes it difficult for researchers to find relevant sources and comprehensively understand the knowledge structure of Islamic economics. This article proposes a new classification framework called IEC (Islamic Economics Classification) with the aim of solving this gap. Taking advantage of the critical analysis of JEL's structure and content and considering the unique characteristics of Islamic economics, IEC presents a hierarchical and flexible classification that is able to cover all dimensions of this emerging domain. This proposed framework, which includes the main categories such as principles and foundations, economic jurisprudence, Islamic banking and finance, economic policy, support system and sustainable development, provides the possibility of more precise organization of researches, facilitating the search in specialized databases.

Keywords: Classification, Islamic economics, JEL, IEC.

JEL classification: A19, A29, P4

معرفت اقتصاد اسلامی ——— سال هفدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۵، ص ۱۱۳ـ۱۳۷

https://creativecommos.org/licenses/by-nc/4.0

doi 10.22034/marefateeqtesadi.2026.5003973

dor 20.1001.1.20422322.1405.17.2.5.3

نوع مقاله: پژوهشی

طرحی جدید در طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی

سیداحمد عاملی / استادیار دانشکدهٔ اقتصاد دانشگاه خوارزمی ameli@khu.ac.ir

مرتضی مرتضوی کاخکی / استادیار گروه اقتصاد دانشگاه علوم اسلامی رضوی Dr.mortazavi@razavi.ac.ir

علی نعمتی / استادیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکدهٔ مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد alinemati@um.ac.ir

علی‌اکبر کریمی / دکتری علوم اقتصادی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشهٔ اسلامی karimiisu@gmail.com

وحید ارشدی / استادیار گروه اقتصاد اسلامی پژوهشکدهٔ مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد v.arshadi@um.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱ ـ **پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۶/۰۹

چکیده

در حوزهٔ اقتصاد اسلامی، باوجود رشد چشمگیر و فزایندهٔ پژوهش‌ها طی دهه‌های اخیر، فقدان یک نظام طبقه‌بندی جامع و بومی که بتواند گسترهٔ وسیع موضوعات، مبانی نظری و رویکردهای نوآورانهٔ این رشته را به‌درستی منعکس کند، همواره یک چالش اساسی بوده است. سیستم طبقه‌بندی استاندارد JEL (Journal of Economic Literature) در پوشش دادن موضوعات خاص، ظرافت‌های مفهومی و مبانی فقهی و اخلاقی اقتصاد اسلامی با محدودیت‌های قابل توجهی روبه‌رو است. بسیاری از مفاهیم کلیدی یا به‌طور کامل نادیده گرفته شده‌اند یا در زیرشاخه‌هایی نامرتبط پراکنده شده‌اند که این امر یافتن منابع مرتبط و درک جامع از ساختار دانش اقتصاد اسلامی را برای پژوهشگران دشوار می‌سازد. این مقاله با هدف رفع این خلأ، چارچوب طبقه‌بندی نوینی به نام IEC (Islamic Economics Classification) را پیشنهاد می‌کند. IEC با بهره‌گیری از تحلیل انتقادی ساختار و محتوای JEL و با در نظر گرفتن ویژگی‌های منحصربه‌فرد اقتصاد اسلامی، یک طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی و انعطاف‌پذیر ارائه می‌دهد که قادر است تمامی ابعاد این حوزهٔ نوظهور را پوشش دهد. این چارچوب پیشنهادی که شامل دسته‌بندی‌های اصلی از قبیل اصول و مبانی، فقه‌الاقتصاد، بانکداری و مالی اسلامی، سیاست‌گذاری اقتصادی، نظام حمایتی و توسعهٔ پایدار است، امکان سازماندهی دقیق‌تر پژوهش‌ها، تسهیل جست‌وجو در پایگاه‌های دادهٔ تخصصی را فراهم می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: طبقه‌بندی، اقتصاد اسلامی، JEL، IEC.

طبقه‌بندی JEL: A19، A29، P4

مقدمه

دانش اقتصاد اسلامی، همچون سایر حوزه‌های معرفتی در تمدن اسلامی، محصول تعاملی پویا میان میراث فکری مسلمانان و دستاوردهای نظری اقتصاد در ادوار گوناگون است. اقتصاددانان اسلامی با «خوانشی نو» و متناسب با جهان‌بینی اسلامی و اقتضائات زمانه، به بازآفرینی دانش اقتصاد می‌پردازند تا پاسخ‌گوی نیازهای جامعهٔ اسلامی باشد. این رویکرد، غنای خاصی به دانش اقتصاد متعارف می‌بخشد و ظرفیت آن را برای خدمت به اهداف توسعه‌ای و اجتماعی ارتقا می‌دهد.

در این میان، طبقه‌بندی علوم نقشی بنیادین ایفا می‌کند. تاریخ علم در تمدن‌های گوناگون گواه آن است که دانشمندان بزرگ، از جمله اندیشمندان مسلمان چون فارابی، ابن‌سینا و ابن‌خلدون، همواره بخش قابل توجهی از تلاش خود را به طبقه‌بندی علوم اختصاص داده‌اند. این امر نه‌تنها به سازماندهی دانش، بلکه به تسهیل آموزش، بازیابی اطلاعات و تضمین ماندگاری و گسترش مرزهای علم کمک شایانی کرده است (مختاری، شفیع تبار سماکوش و قاضی‌زاده، ۱۳۹۷؛ فدایی عراقی، ۱۳۸۹؛ اکرمی، ۱۳۸۹). به‌عبارت‌دیگر، رشد و توسعهٔ دانش با طبقه‌بندی نظام‌مند آن گره خورده است.

بااین‌وجود، طبقه‌بندی‌ها صرفاً ابزارهای فنی و خنثی نیستند. آنها فناوری‌های زیرساختی قدرتمندی هستند که اغلب به دلیل ماهیت پنهان خود، بدون توجه به دلالت‌های عمیق‌تر سیاسی، اخلاقی و ایدئولوژیکشان مورد پذیرش قرار می‌گیرند. همان‌طور که ماکس وبر اشاره کرد، انسان مدرن در «قفسی آهنین» از بوروکراسی و قوانین خودساخته گرفتار است، و زیرساخت‌های اطلاعاتی مبتنی‌بر طبقه‌بندی‌ها می‌توانند به تشدید این محدودیت‌ها منجر شوند (Bowker & Star, 1999, p. 319-320). مطالعات دورکیم و مارکس نیز نشان داده‌اند که ساختار طبقه‌بندی‌ها و چارچوب‌های فکری جوامع، بازتاب‌دهندهٔ ساختار قدرت و اصول کنترل اجتماعی حاکم بر آنهاست (Brown, 1973, p. 364).

البته طبقه‌بندی تنها در علوم کاربرد ندارد، بلکه امروزه به‌عنوان فرآیندی محوری در تلاش‌های فردی و اجتماعی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد بدون اینکه شناختی دقیق و علمی از عناصر آن وجود داشته باشد (Baily, 1994, p. 1). اما دانشمندانی که در عرصهٔ طبقه‌بندی علمی تلاش نموده‌اند، به سلسله مراتب علوم و تعیین جایگاه و حوزهٔ هر علم در چارچوب طرح کلی معرفت آدمی توجه بسیار داشته‌اند (بکار، ۱۳۸۹، ص۱۵). بنابراین تأثیرگذاری جهان‌بینی‌ها علاوه بر علم (نصر، ۱۳۹۱)، بر طبقه‌بندی علوم نیز مشهود و مورد تأکید اندیشمندان است (بکار، ۱۳۸۹، ص۸۵) تا حدی که گرنت (۲۰۰۷) مدعی است که طبقه‌بندی‌های متأخر علوم در غرب نیز متأثر از جهان‌بینی ایشان و تحولات دوران رنسانس بوده است که به‌طور خاص به علت توجه ویژه به خصلت تجربی علوم بسیار متفاوت از طبقه‌های پیشین علوم در سایر تمدن‌ها به‌ویژه تمدن اسلامی است.

در دنیای مدرن، تخصص‌گرایی افراطی و پیچیدگی فزایندهٔ مسائل، ضرورت بازنگری در نظام‌های طبقه‌بندی را بیش از پیش آشکار ساخته است. نظام طبقه‌بندی JEL که به‌طور گسترده در اقتصاد متعارف استفاده می‌شود، علی‌رغم کارایی ظاهری، عمیقاً تحت تأثیر جهان‌بینی سرمایه‌داری و نظام اقتصادی غرب تدوین شده است. این طبقه‌بندی که با تفکیک‌های خاص خود (مانند دوگانه‌های رایج)، ارزش‌ها و پیش‌فرض‌های خاصی را بر پژوهشگران تحمیل می‌کند، نمی‌تواند به‌درستی مبانی، رویکردها و نیازهای منحصربه‌فرد اقتصاد اسلامی را پوشش دهد.

این نارسایی، اندیشمندان اقتصاد اسلامی را بر آن داشته تا به دنبال ایجاد بدیلی مناسب باشند. اگرچه تلاش‌های ارزشمندی همچون طبقه‌بندی (Iqbal & Balamash, 2014) و طرح صمصامی و همکاران (۱۳۹۷) صورت گرفته، اما خلأ یک نظام طبقه‌بندی جامع و مورد اجماع که هویت علمی اقتصاد اسلامی را به‌درستی بازتاب دهد، همچنان پابرجاست. این وضعیت، حتی در نشریات تخصصی اقتصاد اسلامی نیز مشاهده می‌شود که ناگزیر به استفاده از طبقه‌بندی JEL باوجود نواقص آشکار آن هستند.

لذا این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف معرفتی، به معرفی طبقه‌بندی اقتصاد اسلامی IEC می‌پردازد. پس از دو سال مطالعهٔ نظام‌مند ادبیات طبقه‌بندی علوم و پژوهش‌های مرتبط، فرآیندی برای تدوین این طبقه‌بندی دنبال شده است. مقالهٔ حاضر، در گام نخست، به مروری کوتاه بر طبقه‌بندی JEL و انتقادات ساختاری و ایدئولوژیک وارد بر آن خواهد پرداخت؛ سپس ضرورت ایجاد طبقه‌بندی مستقل در اقتصاد اسلامی را با تأکید بر مبانی و اهداف این دانش، مورد بحث قرار خواهد داد؛ در ادامه طبقه‌بندی پیشنهادی IEC و ویژگی‌های متمایز آن نسبت به JEL تبیین شده؛ و در نهایت، طرح پیشنهادی برای سازماندهی و هدایت ادبیات اقتصاد اسلامی ارائه خواهد شد. لازم به ذکر است جزئیات تمایزات این طرح با طبقه‌بندی‌های ذکرشده در سطرهای فوق‌الذکر در مقالات آتی به تفصیل بررسی شده است.

مبانی نظری و مرور پیشینه

همان‌گونه که آمد سیستم طبقه‌بندی ژورنال ادبیات اقتصادی JEL به‌عنوان یک طبقه‌بندی مرجع در علوم اداری و اقتصادی مورد توجه است. این طبقه‌بندی که توسط انجمن اقتصاد امریکا AEA توسعه یافته و از سال ۱۹۶۹ به‌عنوان استاندارد جهانی در سازماندهی و نمایه‌سازی مقالات و کتب اقتصادی شناخته می‌شود، چارچوبی یکپارچه و درعین‌حال جهت‌مند برای دسترسی به دانش اقتصادی فراهم کرده است که باعث شده تا اکثر مجلات اقتصادی از این طبقه‌بندی استفاده نمایند. بااین‌حال، این طبقه‌بندی علی‌رغم گستردگی و مقبولیت جهانی، محدودیت‌های قابل توجهی در پوشش دادن ابعاد خاص و مبانی نظری اقتصاد اسلامی دارد، لذا درک ساختار، تاریخچه و نقاط قوت و ضعف JEL پیش‌نیاز ضروری برای اثبات ضرورت و تبیین مزایای سیستم طبقه‌بندی پیشنهادی IEC است.

به همین منظور تاریخچهٔ تحول این طبقه‌بندی، ساختار فعلی و همچنین نقاط قوت اصلی آن را بیان خواهیم کرد تا در ادامه، با تمرکز بر کاستی‌های JEL در مواجهه با ادبیات اقتصاد اسلامی، زمینهٔ لازم برای معرفی و دفاع از چارچوب جایگزین IEC فراهم شود. تحلیل JEL نه‌تنها به ما کمک می‌کند تا میزان ناکارآمدی آن را در زمینهٔ مورد بحث مشخص کنیم، بلکه الگوبرداری از موفقیت‌های آن در ایجاد یک استاندارد جهانی را نیز ممکن می‌سازد.

تاریخچهٔ JEL

نیاز به یک نظام طبقه‌بندی مدون برای ادبیات اقتصادی، دیرزمانی است که احساس شده است. اولین تلاش‌ها در این راستا به اوایل قرن بیستم بازمی‌گردد. ساختاری برای دسته‌بندی ادبیات اقتصادی بیش از صد سال قبل در سال ۱۹۱۱ توسط سردبیر مجلهٔ مرور اقتصاد امریکا (American Economic Review) (AER) و بیشتر به‌منظور طبقه‌بندی اقتصاد خرد طراحی شد و در ابتدا نسبت به مسائل اقتصاد کلان بی‌توجه بود و شامل ۱۰ طبقه می‌شد (Cherrier, 2017, p. 549)، تا اینکه درخواست مقامات دولتی از انجمن اقتصاد امریکا مبنی‌بر مشخص نمودن حوزهٔ تخصصی اعضای آن، به‌خصوص با توجه به وقوع جنگ در اروپا و درخواست‌های بازسازی از جانب آنها باعث شد تا انجمن به فکر بازنگری در تقسیم‌بندی اولیه خود بیفتد. این تلاش‌ها که از سال ۱۹۴۰ با پیش‌نویس‌های بل و هومان آغاز شد، در نهایت در سال ۱۹۴۸ با تقسیم‌بندی ادبیات اقتصادی به سه دستهٔ اصلی روش‌شناسی، کلیات (که شامل اقتصاد کلان و خرد) و موضوعات خاص که شامل کاربرد نظریهٔ خرد و کلان در موضوعات مختلف و در مجموع ۱۷ بخش را شامل می‌شد، به انجام رسید (Cherrier, 2017, p. 552). اما گسترش مرزهای دانش اقتصادی از اواخر دههٔ ۴۰ و ورود اقتصاد کینزی و مسائل رشد به اقتصاد و همچنین افزایش تعداد اقتصاددانان و نیز انتشار کتب و مقالات اقتصادی در حوزه‌های جدید، باعث شد تا بازنگری فهرست آن در دستور کار قرار بگیرد؛ همچنین این واقعیت که طبقه‌بندی‌های ارائه‌شدهٔ قبلی دیدگاه عمومی در خصوص رشتهٔ اقتصاد را نیز شکل داده بودند و انتظارات از اقتصاد را روشن می‌نمودند، باعث شد تا تقسیم‌بندی اولیه‌ای که برای ادارهٔ یک نشریه پیشنهاد شده بود، جایگاه مهمی در تصویرسازی از رشتهٔ اقتصاد به‌دست آورد و به همین دلیل بازنگری در این فهرست عملاً تصویر اقتصاد را تغییر می‌داد.

با افزایش حجم مقالات واصله به انجمن و دشواری در فرآیند داوری و پذیرش آنها، نیاز به بازنگری در تقسیم‌بندی و حتی تأسیس نشریات جدید، بیش از پیش احساس شد. این تحولات در نهایت منجر به تدوین و استفاده از طبقه‌بندی JEL در شکل اولیه آن از سال ۱۹۶۹ در مجلهٔ ادبیات اقتصادی گردید. این طبقه‌بندی در دههٔ ۱۹۹۰ نیز مورد بازنگری قرار گرفت و از آن زمان تا کنون به‌عنوان یک استاندارد بین‌المللی رایج برای طبقه‌بندی مقالات و کتب اقتصادی در سطح جهان پذیرفته شده است، حتی مجلات تخصصی فعال در سایر نحله‌های فکری اقتصاد نیز از این طبقه‌بندی بهره می‌برند.

کدهای اختصاص‌یافته به طبقات و زیرطبقات در JEL، با در نظر گرفتن گسترهٔ وسیع مطالعات اقتصادی، به‌طور مداوم در حال تحول و تکامل هستند. این طبقه‌بندی علاوه بر روشن کردن حدود کلی دانش اقتصاد و موضوعات آن برای محققان، با پویایی این رشته همگام است. به‌عبارت‌دیگر، با ظهور مطالعات جدید در حوزهٔ اقتصاد، شاهد توسعه و به‌روزرسانی طبقه‌بندی JEL هستیم که این تغییرات اغلب با عناوینی مانند «به‌روزشده» (Updated) در نسخه‌های جدید منعکس می‌گردد.

لذا با توجه به فراز و نشیب‌های ذکرشده، این تصور که طبقه‌بندی خنثی بوده و فاقد هرگونه بیان ارزشی است، رد می‌شود. همچنین این ادعا که تحولات این طبقه‌بندی متناسب با تغییر و تحولات رخ داده در عرصهٔ دانش بوده است، صحیح نخواهد بود؛ چراکه واضح است در هر طبقه‌بندی، رویکردهای معرفتی دانشمندان مؤثر است، اما از سوی دیگر، وجود طبقه‌بندی می‌تواند راهنمایی برای دانش‌پژوهان در کشف و خلق مسئله و جهت‌دهی به تحقیقات آینده باشد. در این صورت طبقه‌بندی در عمل به محلی برای شناخت اجمالی حوزه‌های مطالعاتی اقتصاد تبدیل شده است که محقق و پژوهشگر علاوه بر اینکه می‌تواند بر اساس علاقه‌مندی خود جایگاه مطالعهٔ خود را در این طبقه‌بندی بیابد؛ همچنین می‌تواند با ایده‌های کلی که در طبقه‌بندی مشاهده می‌کند، مسائل جدیدی را تصور نموده و بتواند حوزهٔ مطالعاتی کامل آن را ملاحظه نماید. ازهمین‌رو طبقه‌بندی JEL علاوه بر ترسیم فضای موجود، نوعی راهنمای عملیاتی برای تحقیقات آینده است و از سویی آشنایی با آن می‌تواند ظرفیت‌های مناسبی برای طبقه‌بندی اقتصاد اسلامی فراهم آورد.

نکتهٔ جالب توجه در این گذار تاریخی این است که بازنگری‌های انجام‌شده بر این شیوهٔ طبقه‌بندی هرکدام ویژگی‌های خود را دارند و متناسب با نیازهای زمانه و نیروهای درونی و بیرونی انجام شده‌اند و هرکدام نیز به شیوه‌ای کاملاً متفاوت از گذشته انجام شده‌اند. اگر در اولین طبقه‌بندی نظرات یک سردبیر مهم بوده است، در بازنگری دههٔ ۴۰ فشار بیرونی و در دههٔ ۶۰ نیاز اعضا دارای اولویت بوده است و البته در تمام این مراحل تصویر شکل گرفته از اقتصاد و حتی تأمین منابع مالی برای توسعهٔ اقتصاد مدنظر بوده است (Cherrier, 2017, p. 577)، لذا به هیچ عنوان نباید این تقسیم‌بندی را یک تقسیم‌بندی صرفاً علمی دانست، بلکه مدیریت دانش و نیروهای درونی و بیرونی در شکل فعلی این طبقه‌بندی مؤثر بوده‌اند.

معرفی اجمالی طبقه‌بندی JEL

این طبقه‌بندی شامل ۲۰ عنوان اصلی در هر طبقه است که هرکدام از آنها متناسب با کمیت و کیفیت مطالعات صورت گرفته و نیز رویکرد طراحان دارای زیر طبقاتی نیز هستند. هرکدام از این زیر طبقات نیز به‌نوبهٔ خود به عناوین فرعی دیگری تقسیم می‌شوند و در نهایت یک کد متشکل از حرف و عدد دو رقمی را به‌عنوان جایگاه بحث معرفی می‌نمایند. برای مثال نظریهٔ رفتار تولیدکننده که با کد D22 نمایش داده می‌شوند، زیر مجموعهٔ

اقتصاد خرد با کد D بوده و در زیر طبقهٔ دوم کد D، یعنی سازمان و تولید قرار گرفته و در نهایت بحث‌های نظری رفتار تولیدکننده را شامل می‌شود. این طبقه‌بندی سه سطحی (شامل عناوین اصلی، فرعی درجهٔ یک و فرعی درجهٔ دو) در مجموع نظامی از عناوین، موضوعات بزرگ و کوچک را دربر می‌گیرند که حوزه‌های مختلف مطالعاتی مورد نظر طراحان را نشان داده و به نویسنده امکان می‌دهد تا جایگاه نوشتار خود در ادبیات اقتصادی متعارف را مشخص نماید. البته با توجه به خصلت مطالعات اقتصادی که معمولاً رابطهٔ بین چند عنصر در نظام اقتصادی را بررسی می‌نمایند و همچنین استقرایی بودن طبقه‌بندی مذکور و نیز تنوع ادبیات و رویکردهای مختلف نسبت به یک مسئله، قرارگیری یک عنوان ذیل چند طبقه از نظر JEL مشکلی ندارد و در عمل اکثر مقالات اقتصادی ذیل چند کد مختلف طبقه‌بندی می‌شوند.

نگاهی به عناوین بخش‌های اصلی این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که از نظر توسعه‌دهندگان این طبقه‌بندی، موضوعات اقتصادی از اقتصاد آموزش گرفته تا مسائل کاربردی و نیز اقتصاد فرهنگی و یا موضوعات متفرقه مدنظر ایشان بوده و هرجا نیز که ذیل عنوانی امکان طرح مباحثی دیگر وجود دارد، زیربخش عمومی «سایر» می‌تواند نواقص طبقه‌بندی را جبران نموده و با گسترش ادبیات در بخش‌های با عنوان «سایر» به‌مرور می‌توان با به‌روزرسانی طبقه‌بندی این نواقص را برطرف نمود. به‌منظور آشنایی بیشتر مناسب است عناوین بخش‌های اصلی این طبقه‌بندی در قالب جدول ذیل معرفی شده تا گسترهٔ دانش و ادبیات اقتصادی از نظر طراحان این طبقه‌بندی مشخص شود.

جدول ۱: عناوین اصلی طبقات در طبقه‌بندی JEL

ردیف	کد	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی
۱	**A**	کلیات علم اقتصاد و آموزش	**General Economics and Teaching**
۲	**B**	تاریخ عقاید اقتصادی، روش‌شناسی و رویکردهای دگراندیش (هترودکس)؛	**History of Economic Thought, Methodology, and Heterodox Approaches**
۳	**C**	روش‌های ریاضی و مقداری	**Mathematical and Quantitative Methods**
۴	**D**	اقتصاد خرد	**Microeconomics**
۵	**E**	اقتصاد کلان و اقتصاد پولی	**Macroeconomics and Monetary Economics**
۶	**F**	اقتصاد بین‌الملل	**International Economics**
۷	**G**	اقتصاد مالی	**Financial Economics**
۸	**H**	اقتصاد بخش عمومی	**Public Economics**
۹	**I**	سلامت، آموزش و رفاه	**Health, Education, and Welfare**
۱۰	**J**	اقتصاد نیروی کار و اقتصاد جمعیت شناسی	**Labor and Demographic Economics**
۱۱	**K**	حقوق و اقتصاد	**Law and Economics**
۱۲	**L**	سازمان‌های صنعتی	**Industrial Organization**

ردیف	کد	عنوان فارسی	عنوان انگلیسی
۱۳	M	مدیریت اجرایی کسب و کار، اقتصاد کسب و کار، بازاریابی و حسابداری و اقتصاد کارکنان	Business Administration and Business Economics • Marketing • Accounting • Personnel Economics
۱۴	N	تاریخ وقایع اقتصادی	Economic History
۱۵	O	توسعهٔ اقتصادی، نوآوری، تغییرات فناورانه و رشد	Economic Development, Innovation, Technological Change, and Growth
۱۶	P	سیستم‌های اقتصادی	Economic Systems
۱۷	Q	اقتصاد کشاورزی و منابع طبیعی، اقتصاد اکولوژی و محیط زیست	Agricultural and Natural Resource Economics • Environmental and Ecological Economics
۱۸	R	اقتصاد شهری، روستایی، منطقه‌ای، مستغلات و حمل و نقل	Urban, Rural, Regional, Real Estate, and Transportation Economics
۱۹	Y	موضوعات متفرقه	Miscellaneous Categories
۲۰	Z	دیگر موضوعات خاص	Other Special Topics

منبع: https://www.aeaweb.org/econlit/jelCodes.php?view=jel

بررسی انتقادی طبقه‌بندی JEL

علی‌رغم استفادهٔ وسیع از طبقه‌بندی مذکور، تا کنون نقدهای فراوانی به این نظام طبقه‌بندی وارد شده است. این نقدها که هم از جانب اقتصاددانان جریان متعارف و هم دگراندیش (هترودکس) وارد شده است را می‌توان در دسته‌بندی‌های ذیل بیان نمود:

۱. برخی از متخصصان دانش طبقه‌بندی علوم معتقدند ربط و نسبتی ماهوی و ضروری بین رده‌بندی و واقعیت دانش وجود ندارد و رده‌بندی، یک نظام یا طرح نیست که به نحوی معصومانه و «آینه‌وار» بازتاب‌دهنده و تصویرکنندهٔ روابط بین مفاهیم باشد. بالعکس، در طرح‌های رده‌بندی، معرفتی ضمنی و نامصرح وجود دارد که همان معانی مشترک و بین‌الاذهانی کنشگران اجتماعی است. از دید ایشان جهان اجتماعی (Social Universe)، رده‌بندی دانش را مانند یک برساخت اجتماعی (social construct) قوام می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر، رده‌بندی دانش، تجسم دیدگاه‌های اجتماعی خاصی است که به آن تعین می‌دهد و لذا هر نظام رده‌بندی، تجسم معانی و معارفی جهت‌مند است. در این نگاه رده‌بندی دانش، یک کنش تفسیری است که در پیوند با جهان کنشگران اجتماعی (The universe of social actors) است و لذا با تاریخ، فرهنگ، روابط اجتماعی و ایدئولوژی نسبت دارد و خودمختار نیست (خندان و همکاران، ۱۳۹۴، ص۶۱۳).

طبقه‌بندی JEL هم از این قاعده مستثنا نیست و طبقات JEL همان‌گونه که از عناوین ذکرشده مشخص است، ناظر به حوزه‌های مطرح در رویکرد متعارف اقتصاد بوده و متأثر از خوانش و قرائت سرمایه‌سالارانه و نئوکلاسیک و القای آن در حوزه‌های تعریف‌شده هستند؛ مفاهیمی چون اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، مفهوم بنگاه

سرمایه‌داری، انسان عقلایی، حاکمیت مصرف‌کننده و تعریفی خاص از دانش اقتصاد به‌عنوان علم تخصیص بهینهٔ منابع کمیاب به نیازهای بی‌شمار و مانند آن مفاهیمی است که در طبقه‌بندی JEL تعیین‌کننده و محوری است. مسلماً این رویکرد برای محققانی که رویکرد پژوهشی متناسب با این رویکرد دارند، می‌تواند مفید باشد، ولی در خصوص موضوعاتی که در چارچوب رویکرد متعارف مورد غفلت بوده و یا با نگرشی خاص به اقتصاد می‌نگرد، می‌تواند تا حدی گمراه‌کننده نیز باشد. برای مثال مفاهیمی مانند زکات، وقف، احکام معاملات، ربا، مضاربه، مشارکت، صکوک و بانکداری بدون ربا در JEL فاقد جایگاه مستقل و روشن هستند و بدین ترتیب در فضای دانش در طبقهٔ سایر یا متفرقه قرار گرفته و قابلیت بازیابی دقیق خود را از دست می‌دهند. این امر تنها محدودیت برای جست‌وجو و دسترسی به این منابع را در پی ندارد، بلکه نبود برخی از مفاهیم و موضوعات در طبقه‌بندی رایج می‌تواند چنین تلقی را برای دانش‌پژوهان رشته ایجاد کند که این موضوعات و مسائل فاقد اهمیت هستند و این امر می‌تواند به رشد ناهمگون رویکردهای مختلف در علم بینجامد.

۲. در این طبقه‌بندی حتی برای رویکردهای رقیب درون جریان اصلی یا به عبارتی درون‌گفتمانی نیز مجال اندک و ناچیزی در برخی از زیرگروه‌ها داده شده است که نمی‌تواند حوزهٔ نقد را در این طبقه‌بندی به‌طور شفاف مشخص نماید. منظور از درون‌گفتمانی، سایر مکاتب رقیب با جریان متعارف اقتصاد هستند که با الگوی اقتصاد سرمایه‌داری همخوانی دارند، ولی نگاه نئوکلاسیکی رایج را فاقد شرایط و ویژگی‌های لازم برای تحقیق در برخی حوزه‌ها می‌دانند. برای مثال دیدگاه‌های نظریه‌پردازان توسعه‌ای که نظریات توسعهٔ متعارف را به چالش می‌کشند مانند نظریات ساختارگرایان و یا طرف‌داران توسعهٔ متوزان جایگاه مشخصی در این جریان ندارد. همچنین مالتوسی‌ها و ریکاردویی‌ها صرفاً در دو زیرمجموعه بیان شده‌اند؛ درحالی‌که این جریانات در بسیاری از نظرات با جریان متعارف نیز همخوان بوده و البته تمایزات جدی در مفاهیم مربوط به روابط بین‌الملل و توسعه دارند. بااین‌حال، در این طبقه‌بندی برای محققان این گروه نیز در عمل جایگاه مناسبی ارائه نشده است؛ چراکه از منظر طراحان طبقه‌بندی، این عناوین فرعی بوده و غالباً در رده‌های «سایر» قرار می‌گیرند. درنتیجه، چنین محققانی باید به دنبال رده‌های فرعی در یک زیرگروه بروند که عملاً حوزهٔ طبقه‌بندی را از بی‌طرفی دانشی خارج می‌کند و نیز القای حس ناخوشایند به مخاطب و نویسنده نیز خواهد داشت.

۳. طرف‌داری طبقات JEL از رویکردی خاص علاوه بر ایجاد مشکل برای رویکردهای درون‌گفتمانی، مشکلات جدی‌تری برای سایر رویکردهای رقیب ایجاد می‌نماید. برای مثال، رویکردهای رقیب برون‌گفتمانی که زاویهٔ نگاه جدی با اقتصاد سرمایه‌داری دارند، از جمله مارکسیسم و سوسیالیسم اقتصادی که حتی عنصر مذهب و اخلاق در آنها به‌صورت جدی مطرح نشده است، جایگاه به مراتب نازل‌تری از مکاتب درون‌گفتمانی دارند. ازهمین‌رو مفاهیم مدنظر این مکاتب و عناوین و موضوعات اختصاصی آنها صرفاً در برخی رده‌های فرعی

و درجهٔ دو بیان شده و جانمایی آنها صرفاً در ردهٔ تاریخ اندیشهٔ اقتصادی و بدون توجه به حوزه‌های عملیاتی اقتصاد بعضاً به نحوی است که پژوهشگر در نگاه اول بدون مطالعهٔ قبلی دچار نوعی سردرگمی در نحوهٔ مطالعه و ساحت اندیشه در نقد مکتبی خواهد شد.

۴. تکلیف سایر رویکردها از جمله رویکردهای برون‌گفتمانی که خاستگاه اصلی آنها را ارزش‌های اخلاقی و دینی تشکیل می‌دهد، در این طبقه‌بندی نیز مشخص نیست و عملاً هیچ جایگاهی در این طبقه‌بندی ندارند. برای مثال، اقتصاد اسلامی به‌عنوان رویکردی معاصر که سابقهٔ تدوین آثار ثانویهٔ آن به چندین دهه می‌رسد، عملاً یک بار نیز در این طبقه‌بندی با عنوان اقتصاد اسلامی ذکر نشده است، یا در تاریخ وقایع اقتصادی و روش‌های مدیریت و سازماندهی و یا حتی در اندیشهٔ اقتصادی نیز اثری از آثار اندیشمندان اسلامی حتی ابن‌خلدون نیز مشاهده نمی‌شود، لذا نحوهٔ طبقه‌بندی دانش اقتصاد، اگر متهم به جانب‌داری از یک رویکرد خاص نباشد، متهم به نادیده انگاشتن حجم قابل توجهی از مطالعات اقتصادی مرتبط با حوزهٔ اخلاق و دین با رویکرد اسلامی خواهد بود. به‌علاوه مطالعات اقتصادی مرتبط با اخلاق، دین، عدالت و برابری نیز در برخی عناوین به‌صورت کلی ذکر شده است که در مقایسه با دقت زیاد و کم نظیری که در طبقه‌بندی مطالعات کمّی و ریاضی و سایر حوزه‌ها صورت گرفته، ناچیز، کلی و فاقد دقت‌های مورد انتظار است.

۵. در نهایت لازم است میان کارآمدی نظام JEL در سازمان‌دهی ادبیات اقتصاد متعارف و کفایت آن برای طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی تمایز قائل شویم. نظام JEL از منظر تاریخی و عملیاتی، چارچوبی مؤثر برای نمایه‌سازی بخش مهمی از پژوهش‌های اقتصادی فراهم کرده است، اما کارآمدی آن در یک حوزهٔ معرفتی، به معنای کفایت آن برای حوزه‌ای با مبانی، اصطلاحات و نهادهای متفاوت نیست. برای نمونه، موضوعاتی مانند زکات، وقف، احکام معاملات، ربا، مضاربه، مشارکت، صکوک، بانکداری بدون ربا، اقتصاد حلال و رابطهٔ فقه و سیاست‌گذاری اقتصادی، در نظام JEL فاقد جایگاه مستقل و صریح هستند. این موضوعات ممکن است به‌صورت پراکنده ذیل اقتصاد پولی، اقتصاد مالی، اقتصاد بخش عمومی، اقتصاد رفاه یا موضوعات متفرقه قرار گیرند. بااین‌حال، چنین جانمایی‌ای تفاوت‌های مفهومی و نهادی آنها را به‌طور کامل منعکس نمی‌کند.

به‌عنوان‌مثال، پژوهشی دربارهٔ سازوکار زکات صرفاً یک مطالعهٔ مربوط به مالیات یا انتقال درآمد نیست؛ زیرا زکات هم‌زمان واجد ابعاد فقهی، عبادی، توزیعی، نهادی و سیاستی است. همچنین مطالعه‌ای دربارهٔ بانکداری بدون ربا را نمی‌توان صرفاً در طبقهٔ بانکداری یا اقتصاد پولی جای داد؛ زیرا تفاوت میان بهره و ربا، ساختار عقود، رابطهٔ مالکیت و مدیریت، سازوکار تقسیم سود و زیان و الزامات شرعی، بخشی از هویت موضوع را تشکیل می‌دهد.

بنابراین مسئلهٔ اصلی آن نیست که JEL هیچ‌یک از این پژوهش‌ها را به‌طور مطلق قابل طبقه‌بندی نمی‌داند، بلکه مشکل در آن است که این موضوعات در این نظام فاقد کدهای مستقل و معنادار هستند و درنتیجه، ویژگی‌های

مبنایی و نهادی آنها در فرایند نمایه‌سازی کم‌رنگ می‌شود. از این منظر، محدودیت JEL برای اقتصاد اسلامی، محدودیتی در سطح پوشش مفهومی، تفکیک اصطلاح‌شناختی و بازنمایی مبانی دانش است.

با این تفاصیل می‌توان ادعا کرد که در واقع نظام‌های رده‌بندی، نظام‌های عینی مطلق مستقل از زمان و مکان (اجتماع و فرهنگ) نیستند، بلکه نظام‌هایی هستند که شرایط فرهنگی و اجتماعی حاکم بر تولیدشان، آنها را مقید و مشروط می‌سازد. این دریافت، علاوه بر ارزش نظری، حاوی این دلالت اخلاقی نیز است که هر نظام رده‌بندی دانش، محدود به حدود هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خودش است و باید رده‌بندی‌های «دیگر» مبتنی‌بر حدود هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی «دیگر» را نیز به رسمیت شناخت و برایش حق حیات قائل شد (خندان و همکاران، ۱۳۹۴، ص۶۱۳). ازاین‌رو به نظر می‌رسد جای طرح طبقه‌بندی جدید از دانش اقتصادی که متناسب با جهان‌بینی معرفتی اسلام و روش‌شناسی علوم اسلامی باشد، به شدت در ادبیات دانشی اقتصاد خالی باشد.

پیشینهٔ تلاش‌ها برای طبقه‌بندی جدید در اقتصاد اسلامی

تلاش برای طراحی نظام طبقه‌بندی مستقل در حوزهٔ اقتصاد و مالی اسلامی، سابقه‌ای قابل توجه دارد، از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها می‌توان به طرح اقبال و بلامش (۲۰۱۴) و نیز طرح صمصامی و همکاران (۱۳۹۷) اشاره کرد. این تلاش‌ها از آن جهت اهمیت دارند که نشان می‌دهند استفادهٔ صرف از نظام JEL نیازهای اصطلاح‌شناختی و موضوعی ادبیات اقتصاد اسلامی را به‌طور کامل پوشش نمی‌دهد.

طرح اقبال و بلامش با هدف فراهم کردن چارچوبی برای طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد و مالی اسلامی ارائه شده است. ویژگی مهم این طرح، توجه به موضوعاتی مانند مبانی اقتصاد اسلامی، بانکداری و مالی اسلامی، زکات، وقف، توسعه، فقر و عدالت است. از این جهت، طرح مذکور گامی مهم در جهت شناسایی حوزه‌های خاص اقتصاد اسلامی محسوب می‌شود. بااین‌حال، ساختار آن تا حد زیادی بر توسعه و تکمیل عناوین موضوعی استوار است و در آن، رابطهٔ سلسله‌مراتبی میان مبانی معرفت‌شناختی، اصول هنجاری، نهادهای اقتصادی و حوزه‌های کاربردی به‌صورت کامل تبیین نشده است.

طرح صمصامی و همکاران نیز با هدف معرفی حوزه‌های اصلی مطالعات اقتصاد اسلامی و ایجاد چارچوبی برای سازمان‌دهی آثار این حوزه ارائه شده است. این طرح، نسبت به JEL توجه بیشتری به موضوعات اسلامی و نهادهای اختصاصی اقتصاد اسلامی دارد. بااین‌حال، برخی حوزه‌های بنیادین مانند فلسفهٔ اقتصاد اسلامی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، مطالعات بین‌رشته‌ای و نسبت میان فقه، اخلاق و سیاست‌گذاری اقتصادی در آن نیازمند تفصیل بیشتری هستند.

تفاوت اصلی IEC با تلاش‌های پیشین در این است که IEC صرفاً به افزودن عناوین اسلامی به طبقات موجود اکتفا نمی‌کند، بلکه منطق چیدمان طبقات را نیز بازطراحی می‌کند. در این نظام، حرکت از مبانی معرفتی و فلسفی به سمت نهادها، سیاست‌ها و حوزه‌های کاربردی دنبال می‌شود. افزون بر این، IEC تلاش می‌کند سه ویژگی را هم‌زمان

تأمین کند: نخست، بازنمایی مبانی و هویت مستقل اقتصاد اسلامی؛ دوم، پوشش موضوعات تخصصی مانند بانکداری، مالیه، زکات، وقف و فقه اقتصادی؛ و سوم، حفظ امکان مقایسه و ارتباط با ادبیات اقتصاد متعارف. به‌طور خلاصه، طرح‌های پیشین زمینهٔ مهمی برای طراحی IEC فراهم کرده‌اند، اما نوآوری مقالهٔ حاضر در ترکیب تحلیل مبنایی و اصطلاح‌شناختی با سازمان‌دهی چندلایه و امکان نمایه‌سازی چندبعدی است.

انتقادات وارد بر طبقه‌بندی JEL و نیز تلاش‌های مذکور می‌تواند ضرورت طراحی طبقه‌بندی جدید برای اقتصاد اسلامی را به اثبات برساند، ولی علاوه بر این انتقادات، موارد دیگری نیز هست که این ضرورت را بیش از پیش نشان می‌دهد. از یک‌سو اکثر نشریات اقتصاد اسلامی به دلیل فقدان جایگزین مناسب برای طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی از طبقه‌بندی JEL استفاده می‌کنند، ولی با توجه به تأثیر رویکردهای معرفتی دانشمندان در طبقه‌بندی و تأثیر طبقه‌بندی بر دانش‌پژوهان در کشف و خلق مسئله و جهت‌دهی به تحقیقات آینده خطر این امر روشن می‌شود؛ چراکه تفاوت جهان‌بینی و مبانی ارزشی اقتصاد اسلامی با سرمایه‌داری واضح است و لذا استفاده از همان تقسیم‌بندی می‌تواند به‌مرور زمان باعث غلبهٔ نگاه اقتصاد متعارف بر اقتصاد اسلامی شده و تفاوت‌های این دو جریان را به نفع جریان متعارف سامان‌دهی نماید. این ضرورت توسط اندیشمندان اقتصاد اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. برای مثال اقبال (۲۰۱۵، ص۴۹) نظر ۱۰ اقتصاددان را در تأیید ضرورت طبقه‌بندی جدید بیان می‌کند.

همچنین در عمل، طبقه‌بندی JEL تصویری از اقتصاد را نه‌تنها برای اقتصاددانان، بلکه برای مخاطبان اقتصاد از دستگاه‌های دولتی و مشاغل و کسب و کارها گرفته تا مخاطبین عام و بالقوه این علم ارائه می‌کند که با تصویری که اقتصاد اسلامی از حوزه‌های بررسی و اهداف خود دارد متفاوت است. به‌عبارت‌دیگر، در عمل طبقه‌بندی به محلی برای شناخت اجمالی حوزه‌های مطالعاتی اقتصاد تبدیل شده است که مخاطبان، محققان، سیاست‌مداران، صاحبان کسب و کار و پژوهشگران علاوه بر اینکه می‌توانند بر اساس علاقه‌مندی خود جایگاه مطالعهٔ خود را در این طبقه‌بندی بیابند؛ همچنین می‌توانند با ایده‌های کلی که در طبقه‌بندی مشاهده می‌کنند، مسائل جدیدی را تصور نموده و حوزهٔ مطالعاتی کامل آن را ملاحظه نمایند. ازهمین‌رو طبقه‌بندی JEL در عمل راهنمای تحقیقاتی مؤسسات و پژوهشگران در مسائل خود می‌شود و در صورت ارائهٔ طبقه‌بندی بدیل، این عمل علاوه بر ترسیم فضای موجود می‌تواند به‌عنوان نوعی راهنمای عملیاتی برای تحقیقات آینده در نظر گرفته شود که آشنایی با آن می‌تواند بصیرت‌های راهگشایی را برای حوزه‌های برنامه‌ریزی و عملیاتی اقتصادی با رویکرد اسلامی داشته باشد؛ همچنین ازآنجاکه بسیاری از متون اقتصاد اسلامی ناظر به فقه و شریعت اسلامی نوشته می‌شود و ابزارهای خاص دینی در برنامه‌ریزی امور مسلمین را شامل می‌شود، قرار دادن این عناوین ذیل کدهای ارائه‌شده توسط JEL نه‌تنها سخت، بلکه در بسیاری از موارد غیرممکن بوده و تنها در ذیل عنوان «سایر» قرار می‌گیرند که این امر با منطق طبقه‌بندی که سهولت در بازیابی اطلاعات و دسترسی به مقالات است در تضاد است، لذا ضرورت دارد با توجه به ادبیات تولیدی در اقتصاد اسلامی طبقه‌بندی جدیدی در این زمینه صورت گیرد.

به‌عنوان شاهدی بر این امر می‌توان دغدغهٔ سردبیران و داوران مجلات اقتصاد اسلامی و نیز نویسندگان مقالات این حوزه در اختصاص کد صحیح JEL به مقالات را یادآور شد. برخی مطالعات نشان می‌دهند که تنها ۱۵ درصد از مقالات اقتصاد اسلامی دارای کد صحیح هستند و در عمل به‌واسطهٔ تفاوت‌های جدی روشی و منشی نویسندگان، اختصاص کد صحیح به مقالات و کارهای پژوهشی امری ناممکن است (Iqbal, 2015, p. 46). با در نظر گرفتن این موارد نگارندگان مقاله برآنند که با توجه به ضرورت پرداختن به اندیشهٔ اقتصاد اسلامی به‌عنوان جزء ضروری در فلسفهٔ حکومت اسلامی، به معرفی طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی IEC و وجه تباین آن با طبقه‌بندی JEL بپردازند و ضمن احترام به تلاش‌های سایر اندیشمندان در این حوزه و نیز با توجه به اثر اقبال و بلامش (۲۰۱۴) که در دانشگاه ملک عبدالعزیز اقدام به ارائهٔ طبقه‌بندی نموده‌اند، سعی می‌نمایند تا با جبران نواقص این تلاش‌های علمی، طرحی نو در این زمینه ارائه دهند. بدین منظور در بخش بعدی پس از بیان رویکرد روشی، طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی IEC معرفی شده و برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های آن با JEL بررسی می‌شود و در نهایت نیز نظام طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی معرفی خواهد شد.

روش‌شناسی تدوین نظام کدگذاری

پژوهش حاضر از نظر هدف، در زمرهٔ پژوهش‌های توسعه‌ای ـ کاربردی قرار دارد و از نظر ماهیت و روش، یک پژوهش کیفی با رویکرد تحلیل ساختاری و اصطلاح‌شناختی (Terminological Analysis) است. فرآیند طراحی و تدوین «نظام طبقه‌بندی اقتصاد اسلامی» IEC به‌عنوان یک ساختار طبقه‌بندی دانش (Taxonomy)، بر اساس یک متدولوژی ترکیبی قیاسی ـ استقرایی (Deductive-Inductive) و در قالب چهار گام اصلی صورت پذیرفته است.

گام اول: تحلیل فرانظری و کشف کدهای بنیادین (رویکرد قیاسی)

در این گام، با تکیه بر روش قیاسی، ابعاد کلان، جهان‌بینی و پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی اقتصاد اسلامی مورد مداقه قرار گرفت. هدف از این مرحله، استخراج «طبقات اصلی» بود تا ریل‌گذاری لایهٔ اول کدگذاری بر اساس هندسهٔ معرفتی اسلام (مانند اولویت انگیزه، اخلاق، عدالت و قواعد الهی) شکل گیرد. در این بخش، ساختار درختی بر اساس ترتب منطقی مبانی تا روبناها طراحی شد.

گام دوم: تحلیل محتوای استقرایی و نگاشت متون

برای پر کردن لایه‌های ثانویه (کدهای دو رقمی) و ثالثه (کدهای سه رقمی) و سنجش میزان فراگیری (Comprehensiveness) نظام IEC، از رویکرد استقرایی استفاده شد. در این مرحله، حجم گسترده‌ای از ادبیات تولیدشده در حوزهٔ اقتصاد اسلامی طی سه دههٔ اخیر (شامل مقالات نشریات معتبر داخلی و بین‌المللی مانند مجلهٔ KAUJIE، پایان‌نامه‌ها، کتب مرجع و سرفصل‌های آموزشی) مورد بررسی و تحلیل محتوای

تماتیک (Thematic Analysis) قرار گرفت. دغدغه‌ها، کلیدواژه‌ها و اصطلاحات تخصصی استخراج‌شده از این متون، مبنای تعریف کدهای فرعی واقع شدند.

گام سوم: ارزیابی انتقادی و مهندسی معکوس ساختار JEL

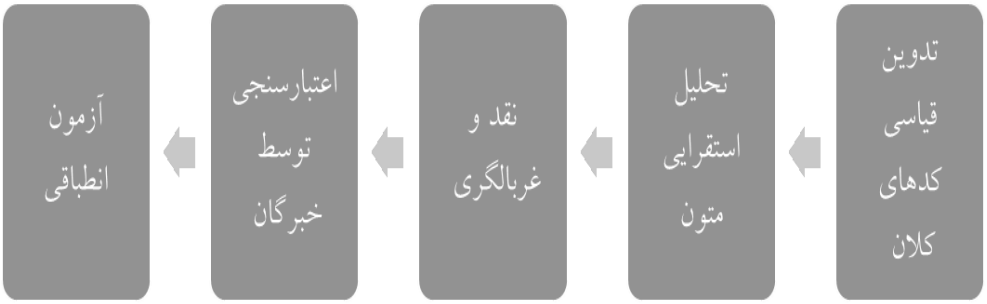
در این گام، ماتریس نظام کدگذاری JEL مورد کالبدشکافی قرار گرفت. خلأهای تئوریک آن در مواجهه با مفاهیم اسلامی (مانند اندیشهٔ اسلامی، تاریخ‌گروی و نهادسازی‌هایی مانند وقف، زکات، بانکداری بدون ربا و قواعد فقهی) شناسایی شد؛ سپس با حذف کدهای موازی، حاشیه‌ای و مبهم در JEL (مانند کدهای تکلیفی Y و Z)، فرآیند بهینه‌سازی و بوم‌سازی ساختار لایه‌ای انجام شد تا تفکیک مرزهای دانش به دقیق‌ترین شکل ممکن صورت گیرد.

گام چهارم: اعتبارسنجی فرآیندی و پایداری اصطلاحات

به‌منظور احراز روایی سازه (Construct Validity) و اطمینان از کارآمدی عملیاتی کدهای طراحی‌شده، پیش‌نویس اولیهٔ سیستم IEC در دو لایه مورد ارزیابی قرار گرفت:

۱. نظرسنجی از خبرگان ساختار کدهای کلان و فرعی در چندین حلقهٔ علمی و با کسب نظر از متخصصان اقتصاد اسلامی و فقه اقتصاد، مورد بازنگری، حک و اصلاح قرار گرفت؛

۲. آزمون انطباق عملیاتی: به‌صورت تصادفی، نمونه‌ای از مقالات منتشرشده در سال‌های اخیر انتخاب و فرآیند نمایه‌سازی آنها با کدهای جدید IEC تست شد تا صراحت، عدم تداخل و پایداری نظام معنایی کدهای سه‌رقمی (مانند کدهای مربوط به تورم، حکمرانی و نهادهای سنتی) احراز شود. نمودار ذیل فرآیند چهارگانهٔ متدولوژی تدوین IEC را نشان می‌دهد.



منطق حاکم بر طراحی و تفاوت‌های ساختاری نظام کدگذاری IEC

دستاورد پژوهش حاضر در تدوین نظام طبقه‌بندی IEC، در دو سطح اجمالی (کدهای کلان) و تفصیلی (زیرشاخه‌های خرد) قابل عرضه است. این ماتریس اصطلاح‌شناختی، تمایزات ساختاری و گفتمانی عمیقی با سیستم کدگذاری

متعارف JEL دارد که این تفاوت‌ها در دو سطح قابل رهگیری است: نخست، «تمایزات مبنایی، کلان و فرانظری» که خود را در هندسهٔ کلی و چیدمان لایهٔ اول سیستم نشان می‌دهند؛ و دوم، «تمایزات خرد و جزیی» که در سطح زیرطبقات دوم و سوم تجلی یافته‌اند. منطق عملیاتی حاکم بر دگرگونی‌های ساختاری IEC در مقایسه با JEL را می‌توان در قالب پنج گزارهٔ راهبردی ذیل تبیین نمود.

۱. نفی حصر عقلی در فرآیند طبقه‌بندی دانش

باید توجه داشت که در بستر فلسفهٔ علم و اصطلاح‌شناسی علوم و شاخه‌های دانش، هیچ‌گونه حصر عقلی در ایجاد و انشای طبقات دانش وجود ندارد. ساختارهای طبقه‌بندی، پدیده‌هایی زمینه‌مند و متأثر از پیش‌فرض‌های معرفت‌شناختی هستند؛ بنابراین هر نظام تکامل‌یافته‌ای از جمله JEL ناگزیر نیازمند نسخه‌های بدیل، پویا و قابل توسعه است و ماتریس پیشنهادی IEC نیز بر پایهٔ همین اصل انعطاف‌پذیری روش‌شناختی بنا شده است.

۲. جریان‌سازی منطق «کل به جزء» و تقدم لایه‌های معرفتی

در بالاترین سطح معماری IEC، ترتب ابواب و تقدم و تأخر کدهای کلان بر اساس منطق حرکت از کل به جزء و از مبانی به روبناها تنظیم شده است. بر این اساس، نظام کدگذاری برخلاف JEL، از کلیات، مباحث معرفت‌شناختی، روش‌شناسی و فلسفهٔ علم اقتصاد آغاز می‌شود (کد A)؛ در گام بعد، با بررسی سیر تحلیلی و تاریخی عقاید و وقایع اقتصادی در بستر حکومت‌های اسلامی امتداد می‌یابد؛ و سپس با اتخاذ رویکردی انتقادی نسبت به پارادایم‌های کلان متعارف شامل سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم مسیر خود را طی می‌کند. این ساختار قیاسی با تبیین هستهٔ سخت تئوریک و اصول اساسی اقتصاد اسلامی و درعین‌حال بازتاب دادن نقدهای درون‌گفتمانی به این مکتب قوام می‌یابد. این توالی منطقی، علت چیدمان متمایز طبقات A تا E را در خروجی این پژوهش تبیین می‌کند.

۳. بومی‌سازی ساختاری و بازمهندسی طبقات کلان

با هدف بوم‌سازی نظام اصطلاحات بر مبنای دال‌های مرکزی اقتصاد اسلامی (مانند کل‌گرایی، مبنامحوری و اجتناب از دسپیلین‌زدگی کمی‌گرایانه)، تغییراتی جدی در لایهٔ اول طبقات صورت گرفته است. بر این اساس:

ـ تأسیس طبقات جدید: طبقات B (فلسفه، عدالت و اخلاق اقتصادی) و K (بخش سوم، اقتصاد خیرخواهانه و نهادهای سنتی اسلام) به‌عنوان حلقه‌های مفقوده و حاشیه‌ای در JEL، به دلیل جایگاه بنیادین و اصیل خود در اقتصاد اسلامی، به‌عنوان طبقات مستقل و اصلی بازتعریف شده‌اند.

ـ حذف و ادغام طبقات: JEL کدهای C، N، Y و Z از ساختار JEL حذف یا بازمهندسی شدند. ردیف Y به دلیل تقلیل‌گرایی و کم‌اهمیتی موضوعی حذف گردید. مباحث مربوط به کد N (تاریخ اقتصاد) با رویکرد تحلیلی ـ وقایعی در ذیل کدهای اصیل B و D بازآرایی شد. رویکردهای مذهبی متشتت در JEL، در ساختار IEC به‌عنوان بخش لاینفک تمام مطالعات اقتصادی پیوند خورد.

ـ تغییر چیدمان: و در نهایت، رویکرد اصالت‌بخشی به ابزارهای مقداری در کد C (اقتصاد ریاضی و سنجی) تعدیل شده و رویکرد انتقادی نسبت به حدود کاربرد روش‌های کمی در زیرگروه‌های کد C این پژوهش جایگذاری شده است.

۴. بازنویسی زیرطبقات بر مبنای رویکرد انتقادی مبنامحور

در بازآرایی سایر طبقات وام‌گرفته‌شده از JEL، فرآیند بازبینی و بوم‌سازی با لحاظ هم‌زمان معیارهای سه‌گانه صورت گرفته است: حرکت از کل به جزء، جایگذاری مفاهیم اصیل اسلامی، و اجتناب حداکثری از صوری‌سازی یا اصطلاحاً «اسلامیزه کردن سطحی» عناوین. هدف اصلی در این لایه، جایگزینی الگوهای متشتت، شاخص‌گرا و اثبات‌گرای محض با یک «رویکرد انتقادی کل‌نگر و مبنامحور» بوده است تا کدهای فرعی بتوانند اهداف غایی و جهت‌دهندهٔ پژوهش‌های بومی را پشتیبانی کنند.

۵. حفظ پل‌های ارتباطی جهت فراتحلیل و مطالعات تطبیقی

اگرچه در بررسی مقایسه‌ای میان عناوین تفصیلی IEC و JEL، به دلیل تحول در مبانی تعاریف (بند ۴)، تفاوت‌های عمیق مفهومی دیده می‌شود، اما نظام IEC تعمداً از قطع ارتباط کامل با تجربهٔ تاریخی و متراکم سیستم JEL پرهیز نموده است. این تصمیم استراتژیک با هدف فراهم ساختن امکان «مطالعات تطبیقی رویکردی» در عناوین مشابه و تسهیل فرآیند انتقال نظام استناددهی برای پژوهشگران بین‌المللی اتخاذ شده است.

معرفی طبقه‌بندی اقتصاد اسلامی IEC

همان‌گونه که تبیین شد، طبقه‌بندی دقیق پیش‌شرط تمام جست‌وجوهای علمی است و در بسیاری از موارد اصطلاحاتی که توسط اقتصاددانان به‌صورت عام و اقتصاددانان اسلامی به‌صورت خاص استفاده می‌شود، مشترک لفظی هستند و مضامین متعددی را شامل می‌شوند. بنابراین در طبقه‌بندی اقتصاد اسلامی باید توجه داشت که نقصان واقعی در طبقه‌بندی JEL این است که جایگاه برخی مفاهیم در آن دارای ابهام و برخی از مفاهیم در آن مغفول مانده‌اند. ازهمین‌رو نگارندگان با مطالعهٔ دقیق JEL سعی نموده تا نواقص این طبقه‌بندی برای اقتصاد اسلامی را برطرف نموده و درعین‌حال از چارچوب عینی آن برای دسته‌بندی مطالعات استفاده نمایند.

بر این اساس برای برطرف نمودن نواقص JEL ضمن مطالعه و بررسی کدهای این طبقه‌بندی و احصای نواقص اولیه در آن، مطالعهٔ آثار متعدد در اقتصاد اسلامی، مطالعهٔ متون مختلف اقتصادی، ایده‌پردازی در موضوعات کلان و عناوین اقتصاد اسلامی، بررسی آثار اندیشمندان در موضوع طبقه‌بندی مطالعات اقتصاد اسلامی، از جمله اثر اقبال و بلامش در این موضوع، اقدام به تهیهٔ پیش‌نویسی شد که در نهایت با انجام اصلاحات و اضافات متعدد نسخهٔ نهایی آن آماده گردید. ویژگی‌های این نسخه بدیل را می‌توان به‌صورت خلاصه در هشت عنوان بومی، خلاقانه، فراگیر،

چندلایه، ایده‌پردازانه، منسجم، دارای نظام معنایی قابل دفاع و قابل استفاده برای سایر مکاتب و نیز دارای قابلیت توسعه و به‌روزرسانی خلاصه نمود که می‌تواند در طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک راهنما عمل نموده و منجر به توسعهٔ ادبیات اقتصاد اسلامی گردد.

ویژگی‌های IEC

به‌منظور شناخت بهتر این طبقه‌بندی مناسب است تا ویژگی‌های مدنظر نگارندگان تصریح شده تا بهتر بتوان تمایزات این طبقه‌بندی با سایر طبقه‌بندی‌ها به‌ویژه JEL را دریافت. به همین منظور به‌صورت خلاصه نه ویژگی این نسخه تبیین می‌گردد.

۱. بومی

برخی از اندیشمندان غربی در مقالات خود به ضرورت دانش بومی و نقش آن در توسعهٔ جوامع تأکید کرده و معتقدند این دانش می‌تواند ابزاری برای پیشرفت و توسعهٔ علمی باشد. آنها همچنین بر این باور هستند که با توجه به روابط قدرت، مدافعان دانش بومی می‌بایست از راهبرد مستندسازی و بایگانی و طبقه‌بندی دانش به‌عنوان یکی از عناصر زرادخانهٔ سلاح خود استفاده کنند (Agrawal, 2002, p. 295). بر این اساس در این طبقه‌بندی نیز به‌منظور متناسب‌سازی ادبیات طبقه‌بندی با ادبیات اقتصاد اسلامی، با استفاده از مأخذشناسی اقتصاد اسلامی و نیز بررسی آثار فارسی، عربی و انگیسی موجود در اقتصاد اسلامی سعی شده است تا از کلیدواژگانی در طبقات و زیرطبقات استفاده گردد که مورد توافق عموم اقتصاددانان اسلامی بوده و فهم مشترکی از آنها در میان ایشان وجود دارد. همچنین برخی از اصطلاحات علمی خاص اقتصاد اسلامی به‌خصوص در حوزه‌های بین رشته‌ای فقهی و دینی که در اقتصاد اسلامی مورد استفاده بودند در طبقه‌بندی‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند تا استفادهٔ آن برای پژوهشگران و مخاطبان این رشته آسان‌تر گردد. لازم به ذکر است در پژوهش حاضر، به‌تدریج سه رویکرد برای شناسایی موضوعات مورد توجه قرار گرفت: رویکرد تطبیقی و مقایسه‌ای میان نظامات سرمایه‌داری و سوسیالیسم و اقتصاد اسلامی، رویکرد انتقادی به سرمایه‌داری و سوسیالیسم، و رویکرد تاریخی به وقایع و اندیشه‌های اقتصادی صدر اسلام، و در نهایت ترکیب مناسب از هر سه رویکرد را در طراحی و ارائهٔ طبقه‌بندی IEC می‌توان مشاهده نمود.

۲. خلاقانه

ازآنجاکه یکی از اهداف طبقه‌بندی‌های علمی هدایت پژوهش‌های آتی به سمت مسائلی است که هنوز پاسخ‌های مناسبی برای آنها یافت نشده است، طبقات IEC به نحوی ارائه شده‌اند که توجه محققان را به مسائل مغفول‌مانده جلب نموده و مسائل نوین را در کنار موضوعات و مسائل بسیار تحقیق‌شده قرار دهد. برای مثال، مطالب مربوط به آثار اولیهٔ اقتصاد اسلامی و نیز تأکید بر نقش فهم تاریخ در این زمینه در طبقاتی مستقل امری است که سابقه‌ای در مطالعات مشابه ندارد.

۳. فراگیری

در طراحی این طبقه‌بندی سعی شده است تا با مطالعهٔ آثار موجود اقتصاد اسلامی تمامی رویکردهای موجود نسبت به اقتصاد اسلامی در نظر گرفته شوند و نه‌تنها رویکردهای فقهی و فلسفی و تاریخی متعلق به تمام مذاهب اسلام در نظر گرفته شوند، بلکه رویکردهای کمی و مدل‌سازی و حتی رویکردهای منتقد به اقتصاد متعارف و سایر مکاتب اقتصادی نیز لحاظ شوند تا از این طریق هر تلاش علمی منتقد وضع موجود در اقتصاد متعارف و توسعه‌دهندهٔ اقتصاد اسلامی در این طبقه‌بندی دارای سهم باشند.

۴. چندبعدی

این روش که از اوایل قرن بیستم در حوزهٔ طبقه‌بندی به‌کار می‌رود این امکان را می‌دهد که یک پدیده را از چند جنبهٔ مختلف و در چند طبقهٔ مختلف قرار داد. این ویژگی در طبقه‌بندی حاضر به‌کار رفته است و لذا با عبور از طبقه‌بندی درختی، امکان اتصال یک پدیده به چند شاخهٔ مرتبط را نیز فراهم می‌آورد. این امر به‌خصوص در اقتصاد اسلامی که ماهیت بین رشته‌ای دارد بسیار دارای اهمیت است.

۵. انسجام

سعی شده است تا در حد امکان با توجه به منطق کل به جزء موجود در طبقه‌بندی مطالب، طبقه‌بندی دارای یک پیوستگی منطقی بوده و پراکندگی در آن راهی نداشته باشد. به‌عبارت‌دیگر، طبقه‌بندی حاضر به‌عنوان یک کل دارای توافق و سازگاری درونی بوده و تمام اجزاء در کنار هم پیکرهٔ مسائل و موضوعات اقتصاد اسلامی را شکل می‌دهند.

۶. دارای نظام معنایی قابل دفاع

برخلاف طبقه‌بندی JEL، سعی شده تا منطق کل به جزء در این طبقه‌بندی رعایت شود و تقدم و تأخر ابواب مختلف بر اساس همین منطق شکل بگیرد. ازهمین‌رو طبقه‌بندی از کلیات و مسائل معرفتی و روش‌شناسی و فلسفهٔ علم اقتصاد آغاز شده است و با بیان تاریخ عقاید اقتصادی در حکومت‌های اسلامی ادامه یافته و سپس با نگاه انتقادی به نظام‌های سه‌گانهٔ سرمایه‌داری، سوسیالیسم و کمونیسم مسیر طبقه‌بندی طی شده و با تبیین اصول اساسی در نظریهٔ اقتصاد اسلامی، انتقادات مربوط به نظام اقتصاد اسلامی نیز ذکر شده است. در ادامه حوزهٔ اقتصاد خرد و اقتصاد کلان و اقتصاد رشد و توسعه با رویکرد اسلامی ارائه شده و متناسب با آن رویکرد انتقادی نیز مطرح شده است، و در ادامه سایر مباحث نیز بر اساس اولویت موضوعی ارائه شده است، در نهایت در درون هر طبقه نیز سعی در رعایت منطق کل به جزء داشته و به فراخور موضوعات زیرطبقات توسعه یافته‌اند؛ به‌نحوی‌که پوشش‌دهندهٔ موضوعات اساسی دانش اقتصاد بوده و متناسب با رویکرد اسلامی تبیین مناسب آن ارائه شده است.

۷. قابل استفاده برای سایر مکاتب

ازآنجاکه طبقه‌بندی JEL نسبت به سایر جریان‌های فکری کم‌توجه بوده است، IEC سعی نموده تا انتقادات رویکردهای متعاضد با اقتصاد اسلامی و حتی دستاوردهای قابل استفادهٔ اقتصاد متعارف و نیز مطالعات تجربی کشورهای مختلف به‌خصوص اسلامی را نیز در این طبقه‌بندی در نظر گرفته و متناسب با آن طبقاتی را در نظر بگیرد تا علاوه بر جریان اصیل اقتصاد اسلامی سایر رویکردهای متقارب نیز بتوانند از این مجموعه استفاده نمایند.

۸. قابلیت توسعه و به‌روزرسانی

با توجه به پیشرفت‌های روزافزون شاخهٔ جوان اقتصاد اسلامی و نیز تجربهٔ سایر طبقه‌بندی‌ها، این قابلیت در زیرطبقات و طبقات اصلی وجود دارد که با گسترش دانش اقتصاد اسلامی، موضوعات و مسائل جدید نیز در طبقات قرار گیرند و نظام چندلایه موجود به نحوی طراحی شده است که تغییرات آتی را بتواند پوشش دهد.

۹. دارای ماهیت چندرشته‌ای

یکی از الزامات طراحی نظام طبقه‌بندی برای اقتصاد اسلامی، توجه به ماهیت چندرشته‌ای این دانش است. اقتصاد اسلامی صرفاً مطالعهٔ رفتار اقتصادی در یک چارچوب ارزشی متفاوت نیست، بلکه در نقطهٔ تلاقی اقتصاد، فقه، حقوق، اخلاق، فلسفه، جامعه‌شناسی، سیاست‌گذاری عمومی و مطالعات تمدنی قرار دارد؛ ازاین‌رو محدود کردن هر اثر به یک طبقهٔ منفرد می‌تواند بخشی از هویت علمی آن را پنهان کند.

در نظام IEC، مطالعات فلسفی و معرفت‌شناختی در لایه‌های بنیادین طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند و موضوعاتی مانند مبانی شناخت، انسان‌شناسی اقتصادی، روش‌شناسی، عدالت، اخلاق، نظریهٔ مالکیت و آسیب‌شناسی اقتصاد اسلامی به‌عنوان موضوعات حاشیه‌ای تلقی نمی‌شوند. همچنین بانکداری و مالیهٔ اسلامی در طبقات اختصاصی جای گرفته‌اند تا تفاوت‌های نهادی، قراردادی و فقهی آنها با بانکداری و مالیهٔ متعارف قابل مشاهده باشد.

برای انعکاس ماهیت بین رشته‌ای اقتصاد اسلامی، نظام IEC امکان نمایه‌سازی چندکدی را فراهم می‌کند. بر این اساس، یک مقاله دربارهٔ «اثر زکات بر فقر» می‌تواند هم‌زمان در طبقهٔ نهادهای اسلامی، اقتصاد رفاه، فقر و سیاست‌گذاری اجتماعی قرار گیرد. به همین ترتیب، مقاله‌ای دربارهٔ «حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی» می‌تواند کدهای مرتبط با بانکداری اسلامی، فقه معاملات، حاکمیت شرکتی و نظارت مالی را دریافت کند.

تفاوت‌های IEC و JEL

حاصل این تلاش که در پیوست این نوشتار عرضه می‌شود از جهات مختلف با JEL متفاوت است که می‌توان این تفاوت‌ها را در قالب دو دسته بیان نمود: نخست تفاوت‌های مبنایی، کلان و رویکردی که خود را در ظاهر طبقه‌بندی نیز نشان می‌دهد؛ و دوم تفاوت‌های جزیی، خرد که خود را در زیرطبقات اول و دوم هر طبقهٔ اصلی نمایش می‌دهند که به دلیل رعایت اختصار صرفاً تفاوت‌های مبنایی، کلان و رویکردی در این مقاله مورد اشاره قرار گرفته است.

۱. نحوهٔ چیدمان طبقات

چیدمان A تا T در IEC، با چیدمان گروه‌ها A تا Z در JEL متفاوت است. در رویکرد IEC نگاه از کل به جزء و از زیرساخت‌ها و مبانی به روبناهای اندیشه‌ای وجود دارد؛ درحالی‌که چیدمان JEL درصدد ارائهٔ رویکرد مذکور نیست و به‌صورت متشتت و پراکندهٔ گروه‌ها آورده شده است. JEL نخست با مباحث اندیشه‌ای آغاز نموده و آموزش و تاریخ عقاید را مقدم می‌سازد، ولی بلافاصله به رویکردهای خرد و کلان وارد می‌شود و سپس جایگاه مسائل کمی و ریاضی در اقتصاد را پررنگ می‌سازد، ولی این روند از کلیات و رویکردها به جزییات پایدار نمی‌ماند، بلکه مباحث فلسفهٔ اقتصادی و نیز نظام‌های اقتصادی و یا تأثیر فرهنگ بر اقتصاد در بخش‌های پایانی این طرح‌واره ارائه می‌شود، اما در IEC سعی شده است تا نگاه کل به جزء حاکم بوده و از کلیات مباحث اقتصاد اسلامی و نیز مبانی مکتبی و اندیشه‌ای و فلسفی آن آغاز و سپس رویکردها و در نهایت بخش‌های اقتصادی در کنار هم طرح‌واره‌ای از مسائل (A well-arranged structure of the problems) را ارائه نمایند که این امر به انسجام نظری و نیز قابلیت گسترش IEC کمک شایانی می‌کند.

۲. تناسب با ادبیات اقتصاد اسلامی

یکی از ضرورت‌های طرح‌شده در معرفی طبقه‌بندی جدید، عدم تناسب طبقه‌بندی JEL با ادبیات اقتصاد اسلامی است. در IEC سعی شده به نحو مؤثری عناوین JEL با فضای اقتصاد اسلامی مقایسه شده و بومی‌سازی شوند و در مواردی نیز به کلی تغییر یابد. به‌عبارت‌دیگر، نگارندگان به دنبال گنجاندن مفاهیم اقتصاد اسلامی در قالب عبارات و طبقات JEL نبوده‌اند و صرفاً با افزودن کلمهٔ اسلامی به عناوین سعی در اسلامیزه کردن طبقه‌بندی نداشته‌اند، بلکه هرجا که لازم بوده است از استخدام عناوین جدید و ایجاد طبقات تازه فروگذار نکرده‌اند. همچنین ازآنجاکه IEC برای اقتصاد اسلامی ارائه شده است، در بسیاری از موارد کلمهٔ اسلام یا اسلامی در عنوان یک گروه یا طبقه ذکر نشده است تا از اختلاط موضوعی و حشو جلوگیری شود و لذا متن هر طبقه با رویکرد اسلامی تبیین شده است.

به‌عبارت‌دیگر، تفکیک حوزه‌های اسلامی و متعارف در نظام IEC بر مبنای یک قاعدهٔ شکلی و یکسان صورت نگرفته است؛ زیرا چنین رویکردی ممکن است به تکثیر غیرضروری طبقات، ایجاد هم‌پوشانی و کاهش کارایی نمایه‌سازی منجر شود. معیار اصلی تفکیک، میزان تفاوت مفهومی، نهادی، روش‌شناختی و اصطلاح‌شناختی میان دو حوزه بوده است. در حوزه‌هایی مانند اقتصاد کلان، بانکداری، مالیه، نظام‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری اقتصادی، تفاوت میان چارچوب اسلامی و متعارف صرفاً به تغییر در نتایج تجربی محدود نیست، بلکه مفاهیمی مانند پول، بهره، خلق اعتبار، سیاست پولی، بانک، مالکیت، توزیع و عدالت، از مبانی متفاوتی برخوردارند؛ ازاین‌رو برای این حوزه‌ها طبقات یا زیرطبقات اسلامی مستقل طراحی شده است.

در مقابل، در موضوعاتی مانند روش‌های آماری، برخی روش‌های اقتصادسنجی، اقتصاد محیط زیست یا برخی مطالعات جمعیتی، ابزار و موضوع مطالعه ممکن است میان پژوهش‌های اسلامی و غیراسلامی مشترک باشد. در چنین مواردی، IEC به‌جای جداسازی کامل، از نمایه‌سازی چندکدی و درج رویکرد اسلامی در سطح زیرطبقات یا برچسب‌های تکمیلی استفاده می‌کند. بنابراین منطق IEC نه تفکیک کامل همهٔ موضوعات اسلامی از موضوعات متعارف و نه ادغام کامل آنهاست، بلکه بر اصل «تفکیک در موارد تفاوت مبنایی و اتصال در موارد اشتراک تحلیلی» استوار است.

۳. امکان استفادهٔ سایر مکاتب دگراندیش از طبقه‌بندی

در طبقه‌بندی IEC سعی شده تا حد میسور امکان طرح نقد فراگیر برای سایر اندیشه‌ها و رویکردهای رقیب نیز فراهم گردد؛ به‌نحوی‌که در بسیاری از عناوین این طبقه‌بندی، سایر مکاتب نیز می‌توانند فضای نقد مورد نظر خود را دربارهٔ اندیشهٔ اقتصاد سرمایه‌داری تبیین نمایند؛ چیزی که در رویکرد JEL مجالی برای آن وجود نداشت.

۴. تأکید بر الگوهای مبنایی به‌جای الگوهای کمی

در مبانی نقد، سعی شده برخلاف JEL که بیشتر شاخص‌های کمّی را ملاک نقد مکاتب قرار داده است، IEC مبانی اندیشه‌ای اصیل را بررسی نماید و نقد مکاتب مختلف را بر این اساس انجام دهد؛ به‌نحوی‌که محقق در مطالعهٔ این عناوین بتواند مدل ذهنی کل‌نگر و مبنامحور را جایگزین مدل متشتت و شاخص‌گرا و کمّی‌گرا نماید.

۵. ایجاد طبقات جدید

با توجه به ضعف‌های موجود در طبقه‌بندی JEL در نادیده‌انگاری برخی از مهم‌ترین فعالیت‌های پژوهشی در اقتصاد، لازم بود تا دسته‌بندی‌ها علاوه بر تفاوت در چینش، دارای ابوابی باشند که سابقهٔ کمتری در طبقه دارند و نادیده گرفته شده‌اند. به همین منظور و با توجه به ماهیت اخلاقی اقتصاد اسلامی و اهمیت عدالت در مباحث اقتصاد اسلامی و رویکردهای دگراندیش، طبقهٔ جدیدی با عنوان اخلاق و اقتصاد، عدالت و فلسفهٔ اقتصادی (B) ایجاد شد. همچنین با توجه به ماهیت مردمی و نیز نقش انگیزه‌های خیرخواهانه در فعالیت‌های اقتصادی، عنوان اقتصاد بخش سوم (خیرخواهانه و وقف) (K) در طبقه‌بندی IEC ایجاد شد که این عناوین در گروه‌های JEL وجود ندارد یا به‌صورت فرعی در برخی زیرگروه‌ها تعریف شده است.

۶. حذف برخی طبقات

در مقایسهٔ بین این دو طبقه‌بندی، طبقات C، Y و Z موجود در JEL، در IEC حذف شده است که دلیل آن کم اهمیت بودن مطالب در Y بوده و موارد مربوط به حوزهٔ مذهب در سایر مطالعات اقتصاد آورده شده است و رویکرد انتقادی به روش‌های کمّی نیز در زیرگروه‌های C آورده شده است.

به‌منظور مقایسهٔ بهتر در ادامه عناوین طبقات اصلی طبقه‌بندی IEC ارائه شده است که می‌تواند در مقایسه با جدول سابق تفاوت‌های اصلی این طبقه‌بندی را نشان دهد. فهرست کامل طبقات نیز در پیوست ارائه شده است.

جدول ۲: عناوین طبقات اصلی IEC

طبقات	گروه‌های طبقه‌بندی‌شده در ذیل عنوان هر طبقه در IEC
A	کلیات اقتصاد اسلامی و تربیت اقتصادی، تدریس اقتصاد اسلامی (چه چیزی، به چه کسی و توسط چه کسی آموزش داده شود؟)، متون آموزشی در اقتصاد متعارف و هترودوکس و اسلامی و نقدهای آن
B	سیر تطور تاریخی نظریات فلسفهٔ اقتصادی، نظریهٔ ارزش در اقتصاد اسلامی و مکاتب رقیب، نظریات عدالت و اخلاق هنجاری، نظریهٔ مالکیت در اقتصاد اسلامی و مکاتب رقیب، اخلاق اقتصادی
C	روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و اقتصادهای دینی، مکاتب جاری هترودوکس، محدودهٔ کاربرد روش‌های کمی و نقد آن، اقتصاد آزمایشگاهی در چارچوب رفتار انسان اقتصادی
D	تاریخ عقاید اقتصادی از هجرت تا انتهای خلفای راشدین، از اموی تا انتهای عباسی، در دورهٔ گذار تا استعمار کشورهای اسلامی (دوران انتهای قرون میانه)، از دورهٔ قرن ۹ تا ابتدای قرن ۱۳ (دورهٔ مستعمره شدن کشورهای اسلامی)، از قرن ۱۳ تا کنون (دورهٔ معاصر) (ادامهٔ استعمار کشورهای اروپایی)، سرگذشت اقتصاددانان مسلمان (اقتصاددانان مسلمان از صدر اسلام)
E	نظام سرمایه‌داری، نظام سوسیالیسم و اقتصادهای در دورهٔ گذار (گذار از سوسیالیسم به سرمایه‌داری)، نظام اقتصاد اسلامی، دیگر سیستم‌های اقتصادی، بررسی مقایسه‌ای سیستم‌های اقتصادی و آینده‌پژوهی سیستم‌های اقتصادی
F	رفتار خانوار و اقتصاد خانواده، سازمان‌ها و تولید، توزیع، قیمت‌گذاری و ساختار بازار، تعادل عمومی و عدم تعادل، اقتصاد رفاه، تحلیل تصمیم‌گیری جمعی، اطلاعات، دانش و نااطمینانی، انتخاب بین‌زمانی و رشد اقتصادی
G	مکاتب اقتصاد کلان اسلامی، مبانی اقتصاد کلان و مؤلفه‌های آن، قیمت، تورم و نوسانات تجاری، پول و نرخ بهره، ساختار بانکداری اسلامی، سیاست‌های اقتصاد کلان، جنبه‌های اقتصاد کلان مالیهٔ عمومی و دور نمای کلی
H	توسعهٔ اقتصادی، حقوق مالکیت معنوی و پیشرفت، الگوهای پیشرفت و نقد و بررسی مدل‌های برنامه‌ریزی و رشد در توسعهٔ اقتصادی متعارف، تجربهٔ توسعهٔ اقتصادی در کشورهای اسلامی
I	ساختار و مرزهای دولت، مالیات، یارانه‌ها و درآمد، سیاست‌های مالی در اسلام، عرضهٔ عمومی کالاها، مخارج دولت مرکزی اسلامی و سیاست‌های وابسته، بودجه‌ریزی ملی (مرکزی)، کسری‌ها و بدهی‌ها، دولت محلی و ایالتی، روابط بین دولت‌های محلی، ایالتی و مرکزی
J	بهداشت، آموزش و نهادهای پژوهشی، رفاه، فقر، تأمین اجتماعی و عدالت، مسکن، قضا
K	حکمرانی وقف و امور خیریه (درون‌سازمانی)، مسائل رابطهٔ وقف وحکمرانی دولت و متغیرهای اقتصادی، نهادهای وقف و خیریه
L	جنبه‌های کلی بازارهای مالی، نهادهای مالی اقتصاد اسلامی و نقدی بر نهادهای اقتصاد متعارف، فقه حاکمیت شرکت و مالیهٔ شرکت‌ها
M	تجارت، جابه‌جایی بین‌المللی عوامل و کسب و کار بین‌المللی، مالیهٔ بین‌المللی، جنبه‌های اقتصاد کلان تجارت و مالیهٔ بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌المللی، فقه روابط اقتصادی بین‌الملل

طبقات	گروه‌های طبقه‌بندی‌شده در ذیل عنوان هر طبقه در IEC
N	اقتصاد کلان و پولی، ساختار صنعتی، رشد، نوسانات، بازارها و نهادهای مالی، نیروی کار و مصرف‌کنندگان، جمعیت‌شناسی، آموزش، بهداشت، رفاه، درآمد، ثروت، مذهب و بشردوستی، دولت، جنگ، قانون، روابط بین‌الملل و مقررات، کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست، صنایع استخراجی، تولید صنعتی و ساختمان (ساخت و ساز)، حمل و نقل، تجارت، انرژی، فناوری و سایر خدمات، تاریخ کسب و کار خرد (مشاغل خرد)، تاریخ شهری و منطقه‌ای
O	حوزه‌های اصلی حقوق، حقوق تجارت و مقررات‌گذاری در اسلام، سایر حوزه‌های مهم حقوق، رویهٔ قانونی (قضایی) سیستم حقوقی و رفتار غیرقانونی
P	اقتصاد جمعیت در اقتصاد اسلامی، تقاضا و عرضهٔ نیروی کار در اقتصاد اسلامی، مبانی دستمزد و جبران در اقتصاد اسلامی، نظریهٔ قرارداد کار در اسلام، بازارهای نیروی کار خاص در اقتصاد اسلامی، مناسبات کارفرما ـ نیروی کار (مدیریت)، اتحادیه‌های کارگری چانه‌زنی جمعی از منظر اقتصاد اسلامی، مبانی بیکاری و تحرک و ظرفیت‌های شغلی در اقتصاد اسلامی، تبعیض کار و بررسی شرایط و حقوق کار و الگوهای مختلف کاری در اقتصاد اسلامی، اقتصاد کلان جمعیت
Q	توسعهٔ پایدار و اقتصاد اسلامی، اقتصاد کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، حکمرانی در منابع تجدیدشونده (ماهیگیری، جنگل‌داری، زمین، آب و...)، حکمرانی منابع پایان‌پذیر و نفت و مسائل آن، حکمرانی محیط زیست در اقتصاد اسلامی، اقتصاد سیاسی انرژی
R	اقتصاد منطقه‌ای عمومی، اقتصاد شهری و روستایی و حمل و نقل، اقتصاد مسکن و مستغلات و مسائل آن، اقتصاد حمل و نقل
S	مدیریت اجرایی کسب و کار، اقتصاد کسب و کار (مجموعه رفتار یا تعاملات یک بنگاه با پیرامون اقتصادی خودش در جهت ادارهٔ اقتصادی یک کسب و کار)، بازاریابی و تبلیغات، حسابداری و حسابرسی، اقتصاد کارکنان
T	ساختار و عملکرد بازار و راهبردهای بنگاه، اهداف شرکت، سازمان و رفتار، سازمان‌های غیرانتفاعی و بنگاه‌های عمومی، سیاست‌ها و مسائل ضد انحصار و ضد تبانی، راهبردهای توسعهٔ صنعتی (اولویت‌های ساخت و ورود تکنولوژی، زنجیرهٔ ارزش و...) سیاست صنعتی و تنظیم‌گری، منابع طبیعی و مواد اولیه، مطالعهٔ بخش خدمات اقتصاد، مطالعات بخش خدمات رفاهی و حمل و نقل

نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی یک فعالیت علمی پرثمر است؛ زیرا طبقه‌بندی دقیق پیش‌شرط لازم برای جست‌وجوهای علمی است و باعث می‌شود تا مفاهیم و اصطلاحاتی که در مکاتب فکری مختلف داری مضامین متفاوت هستند، معنای روشنی بیابند و هندسهٔ مباحث و مفاهیم روشن شود. علاوه بر کارکرد بازیابی اطلاعات، حفظ و نگهداری و انتقال و آموزش بهتر نیز از مزایای طبقه‌بندی علوم است و باعث می‌شود تا جهت‌گیری‌های علم و نیز حوزهٔ نفوذ آن نزد عالمان مشخص شده و تصویر دقیق‌تری از علم برای تمام مخاطبین شکل بگیرد. علم اقتصاد متعارف نیز از همین روش برای توسعهٔ خود استفاده نموده است.

طبقه‌بندی رایج در اقتصاد متعارف، طبقه‌بندی JEL است که با سابقه‌ای بیش از صد سال و پس از چهار بازنگری اساسی هم‌اکنون در اکثر پایگاه‌های اطلاعات علمی اقتصاد دنیا استفاده می‌شود. این طبقه‌بندی که با انتقادات فراوانی نیز مواجه است، به دلیل نبود بدیل مناسب هم‌اکنون در اکثر مجلات اقتصاد اسلامی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد؛

طبقه‌بندی که اولویت‌های دانشی نظام سرمایه‌داری را نشان می‌دهد و در آن نه‌تنها برای اقتصاد اسلامی با وجود تحقیقات فراوان معاصر جایی وجود ندارد، بلکه بسیاری از اولویت‌های پژوهشی این دانش و سایر مکاتب دانشی رقیب نیز نادیده گرفته می‌شوند، لذا تغییر و ارائهٔ بدیلی برای آن یکی از اولویت‌های اندیشمندان اقتصاد اسلامی بوده است و تجربه‌هایی مانند اقبال و بلامش (۲۰۱۴) نیز تا کنون نتوانسته است به‌عنوان جریانی قوی در برابر این طبقه‌بندی خودنمایی نماید.

طبقه‌بندی JEL حتی برای سایر رویکردهای درون‌گفتمانی خود نیز جایگاه خاصی در نظر نمی‌گیرد و صرفاً با لحاظ نمودن کثرت مطالعات در جریان متعارف اقتصاد، خود را به‌روزرسانی می‌کند. این مقاله با در نظر گرفتن نواقص JEL اقدام به ارائهٔ نسخه‌ای بدیل، بومی، خلاقانه، فراگیر، چندلایه، منسجم، دارای نظام معنایی قابل دفاع و قابل استفاده برای سایر مکاتب و نیز دارای قابلیت توسعه و به‌روزرسانی را ارائه کرده است که می‌تواند در طبقه‌بندی ادبیات اقتصاد اسلامی به‌عنوان یک راهنما عمل نموده و منجر به توسعهٔ ادبیات اقتصاد اسلامی گردد. جدول ذیل می‌تواند خلاصه‌ای از تفاوت‌های این دو نظام طبقه‌بندی را نمایش دهد.

جدول ۳: مقایسهٔ ساختار کلان منطق چیدمان JEL و IEC

شاخص مقایسه	نظام طبقه‌بندی **JEL**	نظام طبقه‌بندی **IEC**
فلسفهٔ چیدمان	استقرایی، عمل‌گرایانه و مبتنی‌بر حجم مقالات منتشرشده	قیاسی، از کل به جزء، از مبانی معرفتی به روبناهای اقتصادی
نقطهٔ شروع	کلیات آموزش و تاریخ عقاید به‌صورت انتزاعی	کلیات تربیت اقتصادی، فلسفهٔ اقتصادی، عدالت و اخلاق هنجاری
جایگاه اخلاق و بخش خیرخواهانه	فرعی، پراکنده در زیرشاخه‌های رفاه یا موضوعات خاص	اصیل و ساختاریافته در قالب طبقات مستقل (کد **B** و **K**)
رویکرد به ابزارهای مقداری (ریاضی)	طبقهٔ مستقل و مسلط (کد **C**) به‌عنوان پیش‌فرض علم	طبقهٔ مشروط (جزیی از کد **C**) همراه با نقد محدودهٔ کاربرد آن
انعطاف‌پذیری در برابر دگراندیشی	حاشیه‌ای (رویکردهای هترودوکس در لایه‌های انتهایی کدهای فرعی)	ساختاری (پیش‌بینی فضا برای نقدهای درون و برون‌گفتمانی در تمام سطوح)

منابع

اکرمی، ایوب (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی طبقه‌بندی‌های علوم در تمدن اسلامی. *معرفت*، ۱۹(۴)، ۷۱ـ۸۷.

بکار، عثمان (۱۳۸۹). *طبقه‌بندی علوم از نظر حکمای مسلمان*. ترجمهٔ جواد قاسمی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

خندان، محمد، فدایی عراقی، غلامرضا و صفی، محمدرضا (۱۳۹۴). لایه‌های روش‌شناختی منطق استفهامی و کاربرد آن در تحلیل نظام‌های رده‌بندی دانش. *پژوهش‌نامهٔ پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۰(۳)، ۶۰۳ـ۶۳۰.

صمصامی، حسین و همکاران (۱۳۹۷). *مأخذشناسی اقتصاد اسلامی*. تهران: نور علم.

فدایی عراقی، غلامرضا (۱۳۸۹). *طرحی نو در طبقه‌بندی علوم*. تهران: سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی جمهوری اسلامی ایران.

مختاری، حیدر، شفیع‌تبار، سماکوش و نوروز قاضی‌زاده، حمید (۱۳۹۷). تبیین و مقایسهٔ طبقه‌بندی‌های علوم در تمدن اسلامی و تمدن غرب. *علوم و فنون مدیریت اطلاعات*، ۴(۳)، ۴۹ـ۷۴.

نصر، حسین (۱۳۹۱). *علم و تمدن در اسلام*. ترجمهٔ احمد آرام. تهران: علمی و فرهنگی.

Agrawal, A. (2002). Indigenous knowledge and the politics of classification. *International Social Science Journal*, 54 (173), 287-297.

Baily, K. D. (1994). *Typologies and Taxonomies: An introduction to classification*. California: Sage Publication.

Bowker, G. C. & Star, S. L. (1999). *Sorting Things Out; Classification and Its Consequences*. Cambridge, MA: The M IT Press.

Brown, R. (1973). Knowledge, Education, and Cultural Change Papers in the Sociology of Education. New York, NY: Routledge.

Cherrier, B. (2017). Classifying Economics: A History of the JEL Codes. *Journal of Economic Literature*, 544-579.

Grant, E. (2007). *A History of Natural Philosophy: from the Ancient World to the Nineteenth Century*. London: Cambridge University Press.

Iqbal, M. & Balamash, f. (2014). *KAUJIE Classification Scheme for Literature in Islamic Economics and Finance*. Arabia Saudi, Jeddah: Islamic economc Institue, King abdolaziz University.

Iqbal, M. (2015). An Innovative Scheme for Classifying Literature inIslamic Economics and Finance. *Islamic Economic JKAU*, 43-74.